

انفجار شهرها

نوشته مهدی امانی

تا پایان این قرن حدود نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد.

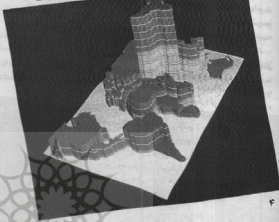
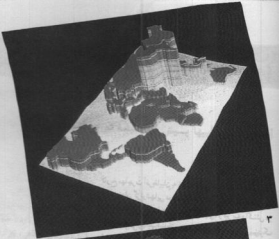
بی‌رویه روستاییان نیز، که تا آن زمان شمارشان به ۳ بیلیون می‌رسد، همچنان به سوی شهرهای بزرگ ادامه خواهند یافت.

گسترش شهرها در مناطقی چون اروپا، که به دنبال صنعتی شدن آن کشورها، روی داد سرعت مناسب و مستعدی داشته است و اهمیت گروههای حرفه‌ای - اجتماعی شاغل در امور صنعتی و بخش خدمات را که گروه عمده شهرنشین کشورهای توسعه یافته‌اند، به میزان فراوانی افزایش داده است.

اما در کشورهای درحال توسعه، موج شدید مهاجرت

در سال ۱۹۵۰ تعداد شهرنشینان کشورهای توسعه یافته حدود ۱۵۵ میلیون نفر بیشتر از تعداد شهرنشینان کشورهای درحال توسعه بود. در سال ۱۹۷۰ این تفاوت به ۳۰ میلیون نفر رسید؛ و از آن پس موج مهاجرت روستاییان کشورهای درحال توسعه چنان گسترش یافت که بر جمعیت شهرهای آنها حدود ۵ یا ۶ برابر افزوده شد.

تا پایان این قرن حدود نیمی از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی خواهند کرد. تعداد شهرنشینان کشورهای درحال توسعه به ۱/۹ بیلیون، یعنی بیش از دو برابر کل جمعیت کشورهای توسعه یافته، خواهد رسید و مهاجرت



۳

۴

عمومی زندگی دشوارتر می‌گردد. اما اینس ارقام تنه‌ها برآوردهای میانگین اشاره دارند؛ بدیهی است که هرگز نمی‌توان به اندازه مطلوبی که قابل اعمال بر تمام شهرهای جهان باشد دست یافت. از این رو بهتر است بگوئیم به میزان معقول گسترش شهرنشینی، یعنی رشد سالانهٔ محدودی دست یابیم و کاری کنیم که کلان شهرها به افراط رشد نکنند. در حال شهرها، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، با سرعت حیرت‌آوری رشد می‌کنند. تا پایان این قرن جهان دارای پنج کلان شهر خواهد شد که هر یک جمعیتی حدود ۱۵ میلیون نفر خواهد داشت. از این میان سه کلان شهر به کشورهای در حال توسعه تعلق خواهد داشت. بر اساس برآوردهای سازمان ملل تقریباً تمام شهرهای بزرگ کشورهای صنعتی به بالاترین حد رشد خود رسیده‌اند و احتمالاً تا حدود سی سال دیگر نیز در همین حد بسایمی خواهند ماند. اما در کشورهای عقب مانده‌تر اوضاع به گونه‌ای کاملاً متفاوت رقم می‌خورد: در این کشورها بسیاری از شهرهایی که در سالهای ۱۹۷۰ مطلقاً در زمرهٔ شهرهای بزرگ نبودند اینک از جمله کلان شهرهای بزرگ دنیا محسوب می‌شوند.

مثلاً مکزیکوسیتی، ساتوپولو، کلکته و بمبئی که در سالهای دههٔ ۱۹۷۰ از نظر جمعیت مقام ششم را در جهان دارا بودند، در سال ۱۹۸۵ با گذشتن از مرز ۱۰ میلیون نفر خود را به مقامهای نخست جدول رسانده‌اند. در سال ۲۰۰۰، مکزیکوسیتی ۲۶ میلیون، ساتوپولو ۲۴ میلیون، و کلکته و بمبئی هر کدام دست کم ۱۶ میلیون جمعیت خواهند داشت. تا آن سال همچنین شهرهایی با ۱۲ تا ۱۴ میلیون جمعیت پدید خواهند آمد که شهرهای به هم پیوستهٔ قاهره، جیزه/اسیاب، و شهرهای جاکارتا، بغداد، تهران، کراچی و استانبول از آن جمله‌اند. متخصصان سازمان ملل متحد پیش‌بینی کرده‌اند که تا سال ۲۰۲۵، تعداد ۹۳ شهر با بیش از ۵ میلیون جمعیت پدید خواهند آمد که ۸۰ تا یازدهان در کشورهای در حال توسعه واقع خواهد بود. طبق این برآورد جمعیت اسیان تا ۲۰ سال دیگر صدبرابر افزایش می‌یابد، به جمعیت مکزیکو روزی ۲۰۰۰ نفر و به جمعیت قاهره ماهی ۴۰۰۰۰ نفر افزوده می‌گردد.

گسترش همه جانبه شهرنشینی

افزایش جمعیت شهرها در کشورهای در حال توسعه، بیشتر ناشی از مهاجرت و گسترش محیط جغرافیایی آنهاست تا علل طبیعی (یعنی فزونی زاد و ولد به سرک و مسیر، معجزاً میزان باروری خانوادگی مهاجر و سگه‌ای که جذب مناطق تازه گسترش یافته شهرها می‌شوند، دست کم برای یک نسل، بیشتر از میزان باروری کسانی است که در شهر متولد شده‌اند. پس از به سر آمدن دورهٔ انطباق، کاهش میزان باروری با کاهش میزان مرگ و میر نوزادان خنثی می‌شود. تحت تأثیر این عوامل گوناگون افزایش جمعیت، محدودتر شهرها به طرز غیر قابل شهادی گسترش می‌یابد و

روستاییان به سوی شهرها زمانی آغاز شد که این جوامع هنوز به مرحلهٔ صنعتی شدن نرسیده بودند. نتیجتاً آسروزه سرعت رشد شهرها در آن کشورها سه برابر کشورهای صنعتی است. یکی از وخیمترین نتایج گسترش شهرنشینی محروم شدن مناطق روستایی از بخش اعظم نیروهای تولیدی خود و نتیجتاً کاهش فزایندهٔ تولید مواد غذایی است. در نتیجه بسیاری از کشورهای جنوب کیه روزگاری از کشورهای خودکفا در تولید مواد غذایی بسودند آسروزه، علی‌رغم در اختیار داشتن زمینهای قابل کشت و حاصلخیز بسیار، میل به واردکنندگان عمدهٔ غلات شده‌اند.

شهر آرمانی

اقتصاد دانان و دانشمندان علوم اجتماعی مدنیهست، در این زمینه که آیا اصولاً میزان پهنه‌ای برای شهرها وجود دارد یا خیر، بحث و اظهار نظر کرده‌اند. به اعتقاد پسرخی از صاحب‌نظران، حد اعلا پهنه‌نگی، خصوصاً وقتی مسئلهٔ اشتغال در میان باشد، رقمی حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر است. وقتی این رقم به یک تا دو میلیون برسد، حفظ معیارهای

تصاویر کامپیوتری شمارهٔ (۱) نمایانگر شهرهایی است که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۰ پیش از ۲ میلیون سگه داشته باشند. در این تصویر شهرها با میله‌های عمودی مشخص شده‌اند. قسمت سبز این میله‌ها جمعیت شهرها را در سال ۱۹۵۰ نشان می‌دهد و قسمت قرمز آنها نشان دهندهٔ رشد جمعیت در این سالهای ۱۹۵۰ و ۲۰۰۰ است. در این تصویر مناطق توسعه یافتهٔ جهان با رنگ سفید و مناطق در حال توسعه با رنگ زرد مشخص شده است. تصویر شمارهٔ (۲) و (۳) جمعیت جهان را به ترتیب در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۸۵ نشان می‌دهد و تصویر شمارهٔ (۴) جمعیت جهان را در سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی می‌کند. جمعیت روستایی به رنگ سبز و جمعیت شهری به رنگ قرمز مشخص شده است. خطوط افقی نمایانگر جمعیت پیش‌بینی شده است.

مناطق کشاورزی اطراف را که تأمین کننده مواد غذایی

شهرهاست، فرو می‌بلند.

گسترش یافتن شهرهای بزرگ در کشورهای صنعتی تأثیر خاصی بر تولید محصولات کشاورزی، که غالباً مسازد بر احتیاج اهالی شهرهاست، ندارد. اما این امر در کشورهای درحال توسعه تأثیر فاجعه‌باری بر محیط زیست، منابع طبیعی، پراکندگی جغرافیایی جمعیت و ساختهای اجتماعی و حرفه‌ای می‌گذارد. مثلاً می‌توان از شهر قاهره نام برد که گسترش آن مسالته ۵۰۰ هکتار از زمینهای حاصلخیز دلتای نیل را به خود اختصاص می‌دهد.

گسترش بی‌رویه شهرهای بزرگ مستلزم ایجاد شبکه‌های ارتباطی پیچیده‌ای است که از لحاظ مالی بسیار سنگینی بر دوش نظامهای اقتصادی متزلزل این کشورها می‌نهد. هزینه رفت و آمد کسانی که برای فرار از اجاره‌های کم‌رشدن و معارج سنگین زندگی در مرکز شهر به حومه‌های دور و نزدیک آن پناه می‌برند نیز فشار سنگینی به بودجه محدود خانواده‌ها وارد می‌آورد.

جلوگیری از گسترش شهرها

کاهش میزان رشد طبیعی جمعیت در کشورهای درحال توسعه - از طریق کنترل میزان تولد و باروری و مرگ و میر - از مهمترین مسائل ملی و بین‌المللی محسوب می‌شود. به علاوه باید از تبدیل سریع مناطق روستایی به شهری جلوگیری کرد و آن را با سیاستهای کشاورزی، اشتغال و توزیع جمعیت همگام نمود. اگر گسترش شهرها و مهاجرت بی‌رویه مردم از مناطق روستایی به هیچ‌گونه کنترلی ادامه یابد خطر کاهش جمعیت و در پی آن کاهش تولید کشاورزی در روستاها پدید می‌آید و بیکاری در شهرها افزایش می‌یابد.

بحران ناشی از گسترش شهرنشینی و در پی آن مشکلات اجتماعی و فنی و اقتصادی کشورهای جهان سوم، به شکل ممانعی در راه پیشرفت‌های اقتصادی درآمده است. این بحران را باید پدیده‌ای کلی دانست که رفع آن نیاز به اتخاذ تصمیماتی در سطح ملی دارد. طرح‌ها و برنامه‌های اتخاذ شده در این زمینه باید به گونه‌ای باشد که توان اقتصادی این کشورها را، خصوصاً در مناطق روستایی، افزایش دهد. باید کوشش شود که با آآوری سرانه جمعیت در مناطق گوناگون از طریق بهره‌برداری از منابع طبیعی و انسانی بهبود یابد. باید تمرکز بیش از حد تشکیلات زیربنایی اقتصادی و خدماتی را در شهرهای بزرگ اصلاح کرد و مناطق صنعتی و محیط‌های کاری فعالی را برای نیروهای انسانی در روستاها ایجاد کرد. برای کاهش بیکاری و نیز کم کردن اختلاف درآمدها، که از مهمترین علل مهاجرت روستاییان و افزایش بیش از حد جمعیت شهرهاست، ارتقای آموزش و پرورش روستاییان، منحصراً جوانان ضرورت دارد. خلاصه اینکه باید از طریق همکاری بیشتر میان جوامع محلی و سلسله مراتب عالی دولتی توسعه روستایی را در توسعه ملی ادغام کرد.

تاریخ مهاجرت آفریقاییان به قدمت تاریخ خود قاره آفریقا است. از دیرزمان گزارش‌هایی در دست است که به تحرک جمعیتی به دلایل سیاسی و اقتصادی و مذهبی و امنیتی، و نیز به واکنش در برابر عوامل جمعیت‌شناختی، مربوط می‌شود. ولی با نزدیک شدن به زمان حاضر انگاره‌ها، مسیرها و انگیزه‌های مهاجرت عمیقاً متأثر از تجربه استعماری شده است که خود در توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و جمعیت‌شناختی مؤثر بوده است.

درون کوچی‌های عمده عبارتند از مهاجرت از منطقه‌ای روستایی به منطقه‌ای دیگر (کوچ از روستا به روستا)، مهاجرت از منطقه‌ای روستایی به منطقه‌ای شهری (کوچ از روستا به شهر)، مهاجرت از شهری به شهر دیگر (کوچ از شهر به شهر)، و مهاجرت از منطقه‌ای شهری به منطقه‌ای روستایی (کوچ از شهر به روستا). ولی در آفریقا پیوندهای فرهنگی میان جوامعی که به صورت قراردادی تبدیل به دولتهای مستقل شده‌اند باعث شده که مرز میان درون کوچی و برون کوچی، یعنی عبور از مرزهای ملی، مخدوش شود. بدین ترتیب کوچ از روستا به روستا به مهاجرت داخلی محدود نمی‌شود، بلکه بیشتر مهاجرت‌های میان درون کشور از نوع کوچ از روستا به روستاست.

دلیل مهاجرت چیست؟

تصمیم‌گیری برای مهاجرت در درجه نخست و مقدم بر هر چیز ریشه در ملاحظات اقتصادی دارد. مردم مهاجرت می‌کنند تا وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند و این هنگامی رخ می‌دهد که از رضای خوسلتهای خود در ساختار امکانات موجود سرزمین زاد بوم خود ناتوانند البته این شامل آنها نمی‌شود که به علت مصائب طبیعی نظیر خشکسالی یا قطع، یا برای فرار از جنگ یا سرکوب سیاسی جا به جا می‌شوند.

درون کوچی بیشتر واکنشی است در برابر عدم تعادلها و نابرابریهای موجود از لحاظ توسعه امکانات اشتغال، درآمد و وضعیت زندگی میان مناطق یک کشور، و مسیر غالب چنین حرکتی بستگی به تعیین محل طرح‌هایی دارد که ایجاد اشتغال می‌کنند. بدین ترتیب، در جایی که سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در شهر عمده متمرکز می‌شود، همان گونه که در مورد بیشتر کشورهای آفریقایی مصداق دارد، جریان غالب مهاجرت به سوی پایتخت جهت داده خواهد شد. در جایی که کشت زرع، معادن و دیگر نهادهای تولیدی در مناطق روستایی جای دارند و کار مسلم و دیگر امکانات را عرضه می‌کنند، یکی از جریانهای اصلی مهاجرت کوچ از روستا به روستا خواهد بود. برای مثال وضعیت در تانزانیا، کنیا و کامرون چنین است.

مهدی امینی

اهل ایران و مشاور جمعیت و توسعه است. وی مدتی استاد جمعیت سیاسی دانشگاه تهران و نیز رئیس گروه علوم اجتماعی آن دانشگاه بوده است. او همچنین استاد گروه مطالعات مردم‌شناسی (INED) و به و دانشجوی ملی فرانسه در پاریس، و مسئول عملیات صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) در آفریقا بود. امینی تاکنون چندین کتاب و مقاله درباره جمعیت‌شناسی و مسائل مربوط به جمعیت و توسعه در کشورهای جهان سوم نوشته است.